

## اشتباهات زندگی:

هرچند که انسان ها در طول تاریخ اشتباهات کوچک و بزرگ زیادی را در راه رسیدن به موفقیت مرتکب شده اند، اما چیزی که مایه تعجب و شگفتی است این است که این اشتباهات به کرات در حال تکرار بوده ، هستند و شاید در آینده ای نه چندان دور دوباره توسط نسل بعدی انسان ها تکرار شوند با کمی مطالعه و تحقیق در مورد این اشتباهات به این نتیجه می رسیم که متأسفانه به جای اینکه میزان اشتباهات با افزایش درک و آگاهی انسان ها کاهش پیدا کند ، روز به روز در حال افزایش است هر چند که انسان در حال حاضر در حال گذران عمر خود در عصری است که عصر فضا نام گرفته است . هر چند انسان ها در اعصار گذشته دانش و تخصص علمی کمتری داشته اند ، ولی در عوض از کیفیت روابط اجتماعی بسیار خوبی برخوردار بوده اند در گذشته انسان ها برای برقراری ارتباط با یکدیگر نیاز به گذران دوره های آموزشی نداشته اند ، ولی در عصر حاضر یکی از بزرگترین مشکلات انسان ها این است که چگونه خود و احساسات انسانی خود را نسبت به همدیگر بیان کرده و به راحتی بتوانند در محیط خانواده یا اجتماع با آنها ارتباط برقرار کنند.

تکرار خطا، خطایی بزرگتر است:

این موضوع از آنجایی حائز اهمیت است که عدم توجه به این بحران! و صرف زمان برای مطالعه اشتباهاتی که انسان ها برای رسیدن به موفقیت مرتکب شده اند، باعث کاهش کیفیت روابط فردی و اجتماعی انسان ها در آینده خواهد شد و زندگی معنوی و اجتماعی او را با خطرات جدی روبرو می نماید. امروزه خردمندان جوامع به این باور رسیده اند که تامین سعادت و خوشبختی انسان تنها با کمک پیشرفت های علمی میسر نبوده و تحقق کامل این هدف تنها به افزایش معنویات در زندگی بستگی دارد. هرچند که خداوند متعال هیچ وقت انسان را در پیمودن راه زندگی در این دنیا تنها نگذاشته و جوامع انسانی را با فرستادن پیامبران و امامان مورد رحمت و هدایت خود قرار داده است. اما تعدادی از انسان ها با گمراه کردن دیگران هیچ وقت اجازه ندادند که عظمت الهی هدایت گر زندگی انسان هایی باشد که در تلاش برای رسیدن به موفقیت بوده یا هستند و در این بین تنها انسان های معدودی توانسته اند به نسبت استعداد و دریافت خود به درجه ای از کمال برسند. به نظر می رسد که قرن بیست و یکم، قرنی باشد که انسان ها در آن گرایش بیشتری در مسیر معنویات و اخلاقیات از خود نشان داده و از معنویت به عنوان آخرین سلاح بشریت بر ای بازگرداندن انسان به مدار اصلی انسانیت خویش استفاده نمایند. برای روشن تر شدن موضوع بیاید نگاهی به تعدادی از اشتباهاتی که انسان ها در طول تاریخ برای رسیدن به موفقیت مرتکب شده و می شوند داشته باشیم و این گونه تصمیم بگیریم که آنها را تکرار نکنیم.

خوشبختی به قیمت بدبختی دیگران:

قرن هاست که بشر دچار توهم غم انگیزی در زمینه رسیدن به قدرت شده و همین توهم باعث بروز نبردهای خونین و بی عدالتی های فراوانی در سراسر جهان شده است. توهم این است که تعدادی از انسان ها فکر کرده و می کنند که می توانند از ضرر و بدبختی دیگران به خوشبختی برسند، به همین دلیل در جست و جوی راه هایی برای سوء استفاده و اغوای دیگران بوده اند. این مشکلی است که هنوز دست از گریبان تعدادی از انسان ها تشنه قدرت و موفقیت بر نداشته است.

بسیاری از مردم احساس می کنند که می توانند با خراب کردن دیگران به موفقیت برسند. یک ضرب المثل قدیمی می گوید: " دو راه برای داشتن بلندترین ساختمان در شهرو وجود دارد، یکی این است که تمام ساختمان های بلند شهر را خراب کنی و دوم این است که روی ساختمان خودت کار کنی و آن را بلند تر کنی. " این مطلب دقیقا" در مورد مسایل سیاسی، اقتصادی و زندگی شخصی تک تک انسان ها نیز صادق است

نگرانی از مسایلی که خارج از کنترل شماست:

نگرانی از مسایل خاصی که با گذر زمان حل می شوند فقط نیروی انسان را هدر می دهد. خداوند گاه معجزات خود را در مکان های باور نکردنی و به دست افرادی دور از انتظار و در زمان هایی غیر قابل تصور به انجام می رساند. زندگی نیز ما را دقیقا" به آن طرف راهنمایی می کند، اما از راه هایی که انتظارش را نداریم. ظاهرا" مردم در دنیای قدیم نیز انرژی فراوانی را صرف نگرانی در مورد اموری می کرده اند که خارج از کنترل آنها بوده است. اول اینکه بی معنی است که در مورد چیزی نگران باشی که کنترلی بر آن نداری، زیرا نگرانی تو چیزی را عوض نمی کند. دوم اینکه این هم بی معنی است که در مورد چیزهایی که بر آن کنترل داری نگران باشی، زیرا اگر واقعا" کنترل داری نگرانی معنا ندارد.

عدم حذف غیرممکن در زندگی:

روزی سرخپوستی در جنگل گردش می کرد. او یک تخم عقاب را روی زمین دید و به خیال اینکه یک تخم مرغ معمولی است آن را در لانه یک مرغ گذاشت. جوجه عقاب نیز همانند دیگر جوجه های مرغ از تخم بیرون آمد و مانند آن ها شروع به راه رفتن و دانه خوردن کرد. یک روز عقاب کوچک که اندکی بزرگتر شده بود متوجه پرواز پرنده باشکوهی در آسمان شد. پرسید این چه پرنده ای است؟ مرغ پاسخ داد: این یک عقاب است. زیباترین و قدرتمندترین پرنده دنیا! عقاب کوچک با خود اندیشید که چقدر خوب بود اگر او هم عقاب بود و می توانست پرواز کند، اما چون باور داشت که یک جوجه مرغ معمولی است خیلی زود همه چیز را فراموش کرد و تمام عمرش را مثل یک مرغ خانگی زندگی کرد! جایی در مغز شما قرار دارد که سال ها است در آن بذره های موفقیت خفته اند و حال آنکه اگر این بذرها رادر مغز خود فعال کنید با قدرت رشد خود می توانند شما را به اوج برسانند. اگر شما طالب پیروزی هستید اما فکر می کنید توانایی آن را ندارید، موفق نمی شوید. فراموش نکنید که تنها معیار ذهن نیمه هوشیار افکاری است که شما بیشتر در مورد آنها فکر می کنید. اگر بیشتر به موفقیت فکر می کنید ضمیر ناخودآگاه شرایط درونی و بیرونی را طوری تغییر می دهد که به خواسته خود برسید. اما اگر دائماً " به مسائل منفی و ترس از شکست فکر می کنید، حتی اگر از بهترین امکانات هم برخوردار باشید به علت تفکر منفی، خود شما خودتان را از درون شکست داده اید. ضمیر ناخودآگاه کور است و نمی تواند میزان دارایی یا کمبودهای مادی شما را ببیند. او فقط احساس می کند. به هر موضوعی بیشتر فکر کنید آن رادر درون شما به صورت یک قانون در می آورد.

برای رسیدن به موفقیت تنها کلمه غیرممکن را از فرهنگ لغات زندگیتان حذف کنید و دیگر تحت هیچ شرایطی به او اجازه بازگشت ندهید.

ترس از ریسک کردن برای پیروزی:

آنهایی که واقعا "قدر چیزهای باارزش را می دانند، حاضرند بهای آن را نیز با جان و دل بپردازند. کسی که آرزویی در سر دارد ولی حاضر نیست که بهای آن را بپردازد، فقط افسوس آن رویا را نصیب خود کرده است. هرچیز باارزشی قیمتی دارد. ترس از شکست چیزی است که انسان های بیشماری را از انجام کارهایی که به آن علاقه دارند دور نگه می دارد. فراموش نکنید که برای به دست آوردن چیزی حتما " و حتما " چیزهایی را از دست می دهید، این بستگی به ارزش چیزی دارد که مایلید آن را بدست آورید. گاهی اوقات ارزش چیزهایی که به دست آورده اید بسیار بیشتر از چیزهایی است که به منظور کسب موفقیت از دست داده اید، اما گاهی اوقات هم ارزش چیزی که بدست آورده اید بسیار کمتر از آنی است که شما بابت آن پرداخت کرده اید. دنیا پر از فرصت های مناسبی است که هنوز کسی در مورد آنها کاری انجام نداده است.

شعار خواستن توانستن است راهرگز از یاد نبرید.

محدود دیدن:

هیچ وقت فکر نکنید که به انتهای خط رسیده اید و دیگر کاری نمانده که شما انجام نداده اید، تا انسان انسان است و دنیا دنیاست همیشه فرصت برای انجام کارهای خاص وجود دارد. هیچ مرزی و مانعی برای انسان های با اراده وجود ندارد. و با تمام کردن تحصیلات آکادمیک دست از تحصیل و پرورش ذهن خود بر نمی دارند. متاسفانه چنین قبول کرده ایم که خواندن و مطالعه کردن فقط به منظور قبولی در امتحان و کسب مدارک بالاتر است و هنگامی که مدرک می گیریم نیاز به مطالعه تمام می شود! چنین تفکری نشانه سقوط شما در آینده ای نه چندان دور است.

اهداف شما قربانی افکار دیگران:

تاریخ نشان داده است که انسان های موفق کسانی بوده اند که حاضر نشده اند افکار خود را به هیچ قیمتی به دیگران بفروشند. افراد موفق تاریخ همواره از مان انسان هایی برخاسته اند که افکار متفاوت و درستی را برای خود برگزیده اند و برای اثبات صحت و درستی آنها واقعا " تلاش کرده اند. انسان ها اکثرا " خود را قربانی افکار منفی دیگران می کنند. نتیجه چنین اقدامی این است که دیگران به راحتی می توانند افکار خود را به شما تحمیل کنند. یکی از علائم اختصاصی افراد اهل عمل این است که آنها هیچ علاقه ای به کنترل دیگران ندارند. شما باید این حقیقت را همواره به خاطر داشته باشید که خودتان باید باغبان زندگی خودتان باشید. خودتان را از این افکار زائد که دیگران چه باید بکنند یا نکنند خلاص کنید.

زمانتان را صرف اجرای طرح های زندگی خودتان کنید و کمتر دیگران را به پیروی از نحوه زندگی خود مجبور کنید

فکر کردن به محدودیت ها قبل از اقدام به عمل:

یکی از نوابغ تاریخ با عمل خود این تفکر زائد را بی اعتبار کرد که برای رسیدن به موفقیت باید از امکانات برخوردار بود. گاندی با ایمانی که به موفقیت داشت توانست کاری انجام دهد که برای همیشه نام او را در تاریخ بشر زنده نگاه خواهد داشت. اودر ممقاایسه با همه هم عصران خوداز قدرت بالقوه بیشتری برخورداربود واین درحالی بود که او از مبانی ظاهری قدرت مانند پول، ابزار جنگی، سربازو... هیچ بهره ای نداشت. او توانست بذر ایمان را در ذهن دویست ملیون انسان بکارد و آنها راعلیه دشمن بسیج کند و باعث استقلال کشورش گردد. او فراموش نکرده بود که لزوما " همیشه قوی ترین ها یا ثروتمندترین ها، پیروز نمی شوند. پیروز کسی است که فکر می کند می تواند پیروز شود.

باز کردن فکر به روی هر نوع فکر:

ذهن انسان مانند کندوی زنبور است. هیچ زنبور آلوده ای حق ورود به کندو را ندارد و هنگام ورود توسط نگهبانان کندو کشته می شود. اگر شما هم می خواهید طعم ثروت و موفقیت را بچشید بای کندوی مغز خود را با افکار شاد و سالم پر کنید تا بتوانید احساس شادابی را از آن به درون زندگیتان منتقل کنید. متأسفانه کندوی مغز انسان هیچ نگهبانی ندارد که مانع از ورود افکار آلوده به ذهن شوند. شما هم برای انتخاب افکار تان حق انتخاب دارید.

ولی فراموش نکنید که ضمیر ناخودآگاه انسان تفاوتی میان اندیشه های مخرب و سازنده قائل نیست. هر چه به او بدهید با آن تغذیه می شود. همه چیز به این بستگی دارد که به چه افکاری اجازه ورود به ذهن می دهید. به یاد داشت ه باشید که افکار انسان قدرتی معادل نیروی برق دارند.

اگر از نیروی برق درست استفاده کنید، می تواند باعث پیشرفت صنعت گردد در حالی که در صورت کاربرد غلط می تواند جانتان را از شما بگیرد.

باور به شانس بد:

ذهن ناهوشیار اندیشه های منفی یا مخرب را درست به همان شکل اندیشه های سازنده به عمل تبدیل می کند

این همان پدیده غریبی است که میلیون ها نفر آن را تجربه کرده اند و بسیاری آن را بدبینی یا بدشانسی می دانند. این در حالی است که کسی بدشانس آفریده نمی شود. میلیون ها نفر از مردم کره زمین گمان می کنند محکوم به فقر و شکست و ناکامی هستند. احساس می کنند نیرویی بر آنها حاکم است که مانع از ابتکار عمل آنها

می شود. این در حالی است که کسی بدشانس آفریده نمی شود. میلیون ها نفر از مردم کره زمین گمان می کنند محکوم به فقر و شکست و ناکامی هستند. احساس می کنند نیرویی بر آنها حاکم است که مانع از ابتکار عمل آنها می شود. این در حالی است که خود این اشخاص باعث بدبختی خود هستند، زیرا ذهن خود را تحت تاثیر باورهای منفی قرار داده اند. احساس دلسردی و ناامیدی تمام وجودشان را پر کرده است و احساس می کنند که در این دنیا هیچ چیز امید بخشی برای آنها وجود ندارد و آنها همان محکومان ابدی سرنوشت هستند که هیچ چیز از خودشان نداشته و مجبورند دوران محکومیت زندگی خود را در دنیا سپری کنند! اندیشمندان بسیاری در طول تاریخ تلاش کرده اند به انسان‌بیاآموزند درمان مشکلات انسان از طریق تغییر ذهنیت او امکان پذیر است، اما انسان های کمی موفق شدند صدای آنها را بشنوند و به گفتار آنان عمل کنند. شما هم می توانید آن صداها را بشنوید، فقط اگر واقعا "بخواید".

ندیدن عواقب و پیامدها:

اغلب اعمال انسانی به صورت مقطعی و بدون فکر به آینده صورت می گیرد. انسان های بیشماری وجود دارند که بدون تفکر و پیش بینی عواقب احتمالی اعمال خود تصمیم به کاری می گیرند و در آخر هنگامی که شکست به سراغ آنان می آید، انگشت اتهام خود را به سوی دیگران نشانه می روند. متأسفانه هنگامی که انگشت اتهام خود را به سمت دیگران نشانه می گیریم و آنان را به عنوان عاملان اصلی شکست هایمان معرفی می کنیم، فراموش می کنیم که یک انگشت به سوی آنها و سه انگشت به سوی خود ما اشاره می کند، اما ما فقط آن یک انگشت را می بینیم!

در اندیشه گذشته:

می گویند گذشته چراغ راه آینده است، اما این به این معنی نیست که اگر گذشته موفق نباشد آید در آینده نیز بدبخت خواهید بود. به جای اینکه بیشتر زمان خود را صرف فکر کردن به گذشته بکنید، خود را ترغیب کنید که به آینده ای مثبت فکر کنید. گذشته ها، گذشته و به تاریخ پیوسته است. به جای فکر کردن به ناکامی های گذشته برای آینده خود برنامه ریزی کنید، اما فراموش نکنید که نباید تارو پود آن از جنس گذشته باشد. برنامه ای می تواند شما را به خوشبختی برساند که تارو پود آن از جنس آینده و امید به موفقیت باشد. هنگامی که برای خود برنامه ریزی می کنید به یاد داشته باشید که خود شما مسئول تک تک اعمالتان هستید.

سطحی نگری:

یکی از بزرگترین دلایل شکست انسان این است که معمولاً "از روی ظاهر رقباى خویش در مورد توانایی آنان فضاوت می کند.

هیچ کسی را در هیچ مقام و شانی نباید دست کم گرفت. فراموش نکنید که ذهنیت منفی نسبت به دیگران هرگز نمی تواند باعث موفقیت شما گردد. در هر کجای این دنیا که زندگی می کنید، درسی از ایمان برای شما در نظر گرفته شده، فقط باید چشم هایتان را باز کنید و با تامل به آنها نگاه کنید. از مناظر زیبای طبیعت گرفته تا کوچکترین ماهی دنیا که در اعماق اقیانوسی تاریک زندگی می کند، هر کدام درسی از ایمان را در خود پنهان کرده اند. تنها چیزی که انسان به آن نیاز دارد، اطاعت است. خداوند به تعداد تک انسان ها راهی برای رسیدن به موفقیت ترسیم کرده است. هرکسی فقط باید به دنبال راه خودش باشد. تنها در صورتی می توانید راه حقیقتان را در زندگی پیدا کنید که قبل از اینکه به سهم مادی خود از دنیا بیندیشید به این فکر کنید که هستید و هدف از خلقت شما در این دنیا چه بوده است. باید به پاسخ این سوال برسید که خلق این همه زیبایی برای چه بوده و در عوض خداوند از شما جچه انتظاری دارد؟ علت اینکه بیشتر انسان ها در زندگی شکست می خورند این است که قبل از اینکه به این موضوع بیندیشید که کیستند و برای چه آمده اند به دنبال سهم مادی خویش از دنیا می گردند و زمانی متوجه اشتباه خویش می شوند که دیگر زمانی برای جبران باقی نمانده است.

عبرت نگرفتن از شکست:



هلن کلر چند روز پس از تولدش ناشنوا، نابینا و لال شد. به رغم این همه بدبختی او توانست نام خود را در لیست بزرگان تاریخ بشر ثبت کند. او توانست با اراده خود ثابت کند که اگر کسی خود را شکست خورده نپندارد، در شمار شکست خوردگان قرار نمی گیرد. برای رسیدن به موفقیت باید به مطالعه شکست ها پرداخت. باید همانند کیمیا گران قدیم که در جستجوی راهی برای تبدیل فلزات به طلا بودند، در جست و جوی هنری بود که بتوان به کمک آن از شکست هایمان برای موفقیت های حتمی آینده امان پله بسازیم. بتهوون آهنگ ساز آلمانی نیز ناشنوا بود ولی به یکی از بزرگترین آهنگ سازان جهان تبدیل شد.

### حرف آخر "

چند هزار سال قبل پیشینیان برجسته ما روی همین کره خاکی راه می رفتند که ما امروزه راه می رویم، از همان هوایی تنفس می کردند که ما امروزه تنفس می کنیم (آلودگی را فراموش کنید)، و از گرمای همان خورشیدی برای رشد محصولاتشان استفاده می کردند که امروزه ما استفاده می کنیم. برای رسیدن به موفقیت باید به مطالعه تاریخ پرداخت و اسرار پیروزی بزرگان تاریخ را لابه لای صفحات پر گردو غبار آن خارج کرد. هدف از مطالعه تاریخ باید رسیدن به این فهم باشد که این متفکرین می خواستند که ما با چه چیزهایی آشنا شویم و از چه مسائلی برای رسیدن به موفقیت فاصله بگیریم.

این ضرب المثل فرانسوی را به یاد داشته باشید که: غیر ممکن غیرممکن است. شما می توانید افکار منفی که همانند خاری هستند را از مغزتان خارج کرده و به جای آن گل سرخ بکارید. در زمان چیدن خارها ممکن است سختی های زیادی را تحمل کنید، اما به این موضوع ایمان داشته باشید که اگر بتوانید سختی این کار را تحمل کنید، به زودی صاحب باغی می شوید که بوی خوش گل های آن تمام زندگی شما را تحت تاثیر قرار می دهد.